

محمد یوسفی جویباری

عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

m.yosofi@yahoo.com

علی آراسته

کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه اصفهان

واکاوی ریشه‌های بحران در کابینه‌های ایران (از انقلاب مشروطه تا کودتای سوم اسفند)

چکیده

پس از انقلاب مشروطه کابینه‌هایی که روی کار آمدند به علل مختلف با مشکلات عدیده‌ای مواجه بودند به گونه‌ای که در طول ۱۴ سال ۵۱ کابینه و هر سه ماه یک کابینه میانگین تغییرات طی این دوره بوده که وضعیت خوبی را در دولت‌های اوایل مشروطیت بیان نمی‌کند. علل داخلی و خارجی گوناگونی در این بحران‌ها سهیم بودند.

از نظر خارجی دخالت مستقیم و بی حد و مرز دولت‌های استعماری از جمله دخالت روسیه و انگلیس در کلیه امور داخلی ایران و تعیین نخست‌وزیران مورد نظرشان در جهت تامین منافع و خواسته‌هایشان کابینه‌ها را عملاً به عنوان بخشی از ابزارهای اعمال حاکمیت استعمار در ایران بدل ساخته بود. با این وجود باید به عوامل داخلی نظیر تجربه نخست حکومت مشروطه و پارلمان، خودمحموری‌های شخصی و خانوادگی، گروه‌گرایی، ترجیح منافع خصوصی بر منافع عمومی و نابسامانی اشاره کرد. در نتیجه اقشار و گروه‌های مختلف نسبت به ساختار و عملکرد نظام مشروطه بدبین گردیده و بستر ذهنی و عینی ظهور یک دیکتاتور فراهم آمد. سرانجام رضاخان با اتکا به عوامل داخلی و خارجی و تا حدودی توانایی فردی توانست جریان حوادث را به نفع خویش به پایان برساند.

در این مقاله سعی می‌گردد علل و علائم بحران داخلی و خارجی در کابینه‌های ایران از انقلاب مشروطه ۱۲۸۵ ش تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ هـ ش مورد بررسی قرار گیرد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای و آرشیوی می‌باشد.

واژگان کلیدی: انقلاب مشروطه، بحران، کابینه، انگلستان، روسیه، کودتای سوم اسفند،

مجلس شورای ملی.

مقدمه

انقلاب مشروطه نقطه آغاز درگیری‌ها و محور تضاد منافع میان طبقات شرکت‌کننده در انقلاب بود که هر کدام از این طبقات، بحران را از صافی‌های فرهنگ سیاسی خاص خود عبور می‌داد و از زاویه منافع اقتصادی خویش به تفسیر آن می‌پرداخت. اساساً از همان آستانه مشروطیت، ایران از بحران‌های بزرگ اقتصادی و سیاسی رنج می‌برد که ریشه اکثر این بحران‌ها به دوره ناصری و بویژه عصر امتیازات باز می‌گشت.

در این دوره قدرت‌های تصمیم‌گیرنده سیاسی مملکت را نمی‌توان در درون قوه اجرائیه یا هیأت وزیران یافت. در دوره‌های مختلف عصر مشروطیت نیروهای اجرایی خارج از هیأت دولت و تصمیم‌گیرندگان سیاسی واقعی را، گاه دربار و به دورانی بسیار معدود و محدود روسای دولت (نخست وزیران) و به عصری نیز قوه قانون‌گذاری و به زمانی دیگر با اعمال قدرت دولت‌های خارجی تشکیل می‌داده است.

در سال‌های اول مشروطیت، یعنی دوران عمر مجلس اول تا استبداد صغیر ۱۲۸۷-۱۲۸۵ هر چند سلطنت مشروطه به طور کلی در روش حکومت دولت‌ها اثر قابل توجهی نسبت به گذشته باقی گذاشت و مجلس اول هم تمایل شدید داشت تا قدرت قوه قانون‌گذاری را بر قوه مجریه تحمیل نماید، ولی از آنجا که اصل تفکیک قوا منشاء طرز تفکر و تعصب خاص در کابینه‌ها شده بود، وزیران در برابر وضع سیاسی جدید مجلس، کوشش در افزایش قدرت و بالاتر قرار دادن قوه مجریه مبذول می‌داشتند. این چنین سیاستی عدم ثباتی که خاص حکومت‌های ملی نوبنیاد می‌باشد به وجود آورد.

با نگاه به تاریخ سیاسی ایران، از زمانی که فرمان مشروطیت در تاریخ ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ ه.ق برابر با ۱۳ مرداد ماه ۱۲۸۵ ه.ش، از طرف پادشاه وقت مظفرالدین شاه قاجار صادر شد، به موجب قانون اساسی، اداره امور کشور بر مسئولیت مشترک و مشورت

میان دولت و مجلس بنیان‌گذاری شد. مراحل مختلف پرفراز و نشیب این نظام سیاسی نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی حاکم بر ایران باعث شده است که هیات دولت‌های متعدد و بی‌دوام با سرعت عجیب و تاسف‌باری یکی پس از دیگری تغییر کند و هر دولتی بدون اینکه زمان لازم برای اجرای برنامه و هدف‌های مطرح شده خود داشته باشد، زمام امور کشور را در دست گیرد.

در طی سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۳۵۷ تنها ۴۲ معتمد سیاست مدار از طرف ۵ سلطان وقت مامور تشکیل هیات وزیران شده‌اند. ۲۴ نفر از مجموع ۴۲ تن نخست وزیران عصر مشروطه فقط یک نوبت برای زمامداری انتخاب شده‌اند (۴۷ درصد) در حالی که ۶ تن از این گروه بین ۳ تا ۷ نوبت وزیر شده‌اند (۱۴ درصد) و چیزی نزدیک به ۲۹ درصد از آنها در دو نوبت موفق به تشکیل هیات دولت شده‌اند.

از مجموع ۴۲ تن نخست‌وزیر عصر مشروطه ۱۸ تن آنان مربوط به دوران قاجاریه، ۵ تن در طی حدود ۱۶ سال سلطنت پهلوی اول و ۱۹ تن در دوران ۳۷ سال پهلوی دوم. در دوران پرتلاطم عصر تاریخی حکومت قاجاریان و مشروطه جوان ایران، از میان ۱۸ تن از رجال معتمدی که به ریاست دولت منصوب شده‌اند، نزدیک به نیمی از آنان توفیق تشکیل یک تا دو هیات وزیران را داشته‌اند.

در حالی که ۱۰ تن از مجموع ۱۸ تن نخست‌وزیر این عصر، در خلال سال‌های ۱۳۰۴-۱۲۸۵ بر ۳ تا ۸ هیات دولت ریاست داشته‌اند. رقم قابل تامل مربوط به نخست وزیرانی است که به صورت متناوب در مدتی بس کوتاه موفق به تشکیل ۸ هیات وزیران شده‌اند، که در این میان می‌توان از اشخاصی چون مشیرالسلطنه، محمد ولی خان تنکابنی، نجف قلی‌خان بختیاری و حسن وثوق نام برد.^۱ در ادامه با توجه به آمار و ارقام فوق به طور جزئی‌تر به وضعیت کابینه‌ها و علل و عوامل بحران‌زا در آنها می‌پردازیم.

۱. دولت‌ها، برنامه‌ها و مشکلات پیش رو (بحران مدیریت و کارایی)

جایگاه برجسته‌ای که کابینه در نظام مشروطه داشت این نهاد را به صحنه گردان رویدادها و جریان‌های جاری و موجود کشور تبدیل می‌کرد و در عین حال دولت به واسطه‌ی حجم گسترده وظایف و اختیاراتی که داشت می‌بایست در برابر مسایل مختلف موضع‌گیری کند از این رو از داخل و خارج تحت فشارهای مضاعف قرار می‌گرفت و اغلب به عاملی بحران‌آفرین تبدیل می‌شد.

از زمان صدور فرمان مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹ش، درست ۵۱ کابینه با در نظر گرفتن کابینه‌های ترمیمی ضعیف به زمامداری رسیدند که جز در مواردی اندک، بیشترشان در نهایت بی‌ثباتی و نیز سردرگمی، به قصد اجرای اهداف نظام‌نویس و برآوردن خواسته‌های جنبش مردمی مشروطه با برنامه و بی‌برنامه وارد کار شدند و با موانع و دشواری‌هایی کم و بیش یکسان و گاهی هم ویژه دست و پنجه نرم کردند.

از میان این تعداد، تنها ۲۲ کابینه دارای قانونیت و رای اعتماد مجلس شورای ملی بودند و ۲۱ کابینه دیگر چنین امتیازی را نداشتند. از میان کابینه‌های قانونی هم، روی هم رفته ۷ برنامه یا پروگرام مدون و رسمی به مجلس شورای ملی عرضه گشت و در خصوص دیگر کابینه‌ها، تنها از طریق بررسی لوایح پیشنهادی آنان و یا در عمل می‌شد به چگونگی برنامه‌هایشان پی‌برد.^۲

در جداول ذیل، زمان تشکیل، فعالیتها، برنامه‌ها و مهمترین مشکلات و دغدغه‌های کابینه‌های ایران از انقلاب مشروطه تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ه.ش مورد بررسی اجمالی قرار می‌گیرند.

جدول شماره ۱: دوره مجلس اول قانون‌گذاری بمدت یکسال و هشت ماه وهفده روز

شامل ۹ دولت: از تاریخ ۱۴ مهر ۱۲۸۵ تا ۲ تیر ۱۲۸۷ برابر با ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ تا ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۶

مشکلات پیش روی دولت‌ها	مهمترین دغدغه و کوشش دولت‌ها در این دوره	زمان تشکیل دولت	اسامی نخست وزیران
<p>- تعریف نشدن مفاهیم و مولفه‌های نظام مشروطیت</p> <p>- جنگ قدرت میان دو قوه مقننه و مجریه و میدان داری آن توسط محمدعلیشاه</p> <p>- آشفتگی پدید آمده از فروپاشی ساختار سیاسی گذشته و افسار گسیختگی دسته‌ها و گروه‌های انقلابی</p> <p>- دو دستگی علمای صاحب نفوذ کشور</p> <p>- تعرض مرزی نیروهای عثمانی</p> <p>- نبود ظرفیت و تجربه لازم در مردم و زمامداران برای انجام اصلاحات</p> <p>- دخالت‌های سیاسی و نظامی روس و انگلیس</p> <p>- کودتای مجلس برانداز باغشاه</p> <p>- آشوبگری مخالفان مشروطه چون سالارالدوله، خاندان قوام الملک شیرازی و دیگر نزدیکان شاه</p>	<p>- تدوین قانون انتخابات و برگزاری آن</p> <p>- برپایی مجلس شورای ملی و تصویب قانون اساسی</p> <p>- استقرار نظم و اصلاح مالیه</p> <p>- استقراض خارجی</p> <p>- کثرت روابط دوستی با دول متحاربه همجوار</p> <p>- تلاش‌هایی چند در جهت قانونمندی و بازسازی کشور</p> <p>در زمینه‌های گوناگون سیاسی، تجاری، فرهنگی و اداری انجام پذیرفت</p>	<p>۱۳ بهمن ۱۲۸۵ برابر با ۱۹ ذی‌الحجه ۱۳۲۴</p> <p>۲۹ اسفند ۱۲۸۵ برابر با ۶ صفر ۱۳۲۵</p> <p>۱۳ اردیبهشت ۱۲۸۶ برابر با ۲۰ ربیع الاول ۱۳۲۵</p> <p>۲۴ شهریور ۱۲۸۶ برابر با ۷ شعبان ۱۳۲۵</p> <p>۴ آبان ۱۲۸۶ برابر با ۱۹ رمضان ۱۳۲۵</p> <p>۲۹ آذر ۱۲۸۷ برابر با ۱۶ ذی قعدة ۱۳۲۵</p> <p>۹ اسفند ۱۲۸۶ برابر با ۲۶ محرم ۱۳۲۶</p> <p>۵ اردیبهشت ۱۲۸۷ برابر با ۴ ربیع الآخر ۱۳۲۶</p> <p>۱۷ خرداد ۱۲۸۷ برابر با ۷ جمادی الاول ۱۳۲۶</p>	<p>۱- میرزا نصرالله‌خان نائینی (مشیرالدوله)</p> <p>۲- میرزا سلطانه‌لی خان وزیر افخم</p> <p>۳- میرزاعلی اصغرخان اتابک (امین السلطان)</p> <p>۴- مشیر السلطنه</p> <p>۵- میرزا ابوالقاسم قراگوزلو (ناصرالملک)</p> <p>۶- حسینقلی خان نظام السلطنه مافی</p> <p>۷- دومین کابینه نظام السلطنه مافی</p> <p>۸- سومین کابینه نظام السلطنه مافی</p> <p>۹- دومین کابینه مشیرالسلطنه</p>

در دوره‌ی فترت میان دو مجلس اول و دوم شورای ملی، ۵ کابینه روی کار آمدند که جز آخرین آن‌ها (کابینه سپهدار تنکابنی)، همگی مجری برنامه‌های محمد علی شاه بودند و سیاستی جز حرکت در مسیر کودتای باغشاه و پاک‌سازی زمینه‌های مشروطه‌خواهی در ایران نداشتند.

جدول شماره ۲: دوره فترت میان دو مجلس اول و دوم قانون‌گذاری به مدت ۱ سال و ۴ ماه و ۲۰ روز

شامل ۶ دولت: از تاریخ ۳ تیر ۱۲۸۷ تا ۲۳ آبان ۱۲۸۸ برابر با ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ تا ۱ ذی‌القعدة ۱۳۲۷

اسامی نخست وزیران	زمان تشکیل دولت	مهمترین دغدغه و کوشش دولت‌ها در این دوره	مشکلات پیش روی دولت‌ها
۱- سومین کابینه مشیرالسلطنه	۳۱ تیر ۱۲۸۷ برابر با ۲۳ جمادی‌الآخر ۱۳۲۶	- آرام‌سازی اوضاع آشفته کشور	- همگی دولتها جز تنکابنی مجری برنامه‌های محمدعلیشاه بودند و سیاستی جز حرکت در مسیر کودتای باغشاه و پاک‌سازی زمینه‌های مشروطه-خواهی نداشتند.
۲- چهارمین کابینه مشیرالسلطنه	۱۵ دی ۱۲۸۷ برابر با ۱۲ ذی‌الحجه ۱۳۲۶	- طرح تامین پول از طریق استقراض خارجی	- در این دوره تلاش شد تا با برپایی نهادی به نام مجلس شورای مملکتی به جای مجلس شورای ملی و تهیه نظام نامه‌ای برای آن به جای قانون اساسی،
۳- دومین کابینه میرزا ابوالقاسم (ناصرالملک)	۱ اردیبهشت ۱۲۸۸ برابر با ۱۱ ربیع‌الآخر ۱۳۲۷	- پیگیری کار انتخاباتی و برپایی	
۴- میرزا جواد خان	۱۸ اردیبهشت ۱۲۸۸ برابر		

ساختار سیاسی نوین کشور به دلخواه شاه تغییر یابد ولی با پایداری مشروطه‌خواهان روبه رو شد. - تصرف تهران توسط مشروطه‌خواهان ، سلطنت محمدعلیشاه فرو پاشید و زمام امور به دست نهاد فوق العاده‌ای به نام مجلس عالی* افتاد.	مجلس شورای ملی	با ۱۷ ربیع‌الآخر ۱۳۲۷	سعدالدوله
		۲۶ تیر ۱۲۸۸ برابر با ۲۸ جمادی‌الآخر ۱۳۲۷	۵- محمدولی خان تنکابنی
		۸ مهر ۱۲۸۸ برابر با ۱۵ رمضان ۱۳۲۷	۶- دومین کابینه محمدولی خان تنکابنی

با گشایش دومین مجلس شورای ملی (۱۳۲۷)، بار دیگر کابینه‌ها قانونیت یافتند و برنامه‌های رسمی و مدون آنان که برپایه‌ی توانایی‌ها و امکانات موجود آن روز کشور تهیه شده بود روند اسلامی بیشتری به خود گرفت. در این دروره جمعا ۱۰ دولت روی کار آمدند. در این دوره تلاش دولت‌ها در راستای حل بحران‌های امنیتی و مالی و نیز اصلاح ساختار کشوری و لشکری ایران قرار داشت.

جدول شماره ۳: دوره دوم مجلس قانون گذاری به مدت ۲ سال و ۱ ماه و ۹ روز

شامل ۱۲ دولت: از تاریخ ۲۴ آبان ۱۲۸۸ تا ۳ دی ۱۲۹۰ برابر با ۹ ذی القعدة ۱۳۲۷ تا ۳ محرم ۱۳۳۰

مشکلات پیش روی دولت ها	مهمترین دغدغه و کوشش دولت ها در این دوره	زمان تشکیل دولت	اسامی نخست وزیران
<p>- نارسایی در حوزه اختیارات قانونی قوه مجریه و عدم اقتدار دولت</p> <p>- دخالت قوه مقننه در اجرائیات</p> <p>- جابجایی زود هنگام حاکمان ولایات و بی حاکم و بلا تکلیف ماندن بیشتر نقاط کشور</p> <p>- تداخل وظایف وزارتخانه ها</p> <p>- درگیری های شدید حزبی و</p>	<p>- رفع بحران های امنیتی و مالی و نیز اصلاح ساختار کشاورزی</p> <p>- به گونه ای جدی تر مسائل تازه ای چون اصلاح عدلیه، اصلاح معارف، تشکیل شورای دولتی در راس برنامه دولت ها قرار گرفت</p> <p>- اصلاح ساز و کار سه مرحله طرح و تصویب و</p>	۹ آذر ۱۲۸۸ برابر با ۱۷ ذی- القعدة ۱۳۲۷	۱- سومین کابینه محمدولی خان تنکابنی
		۸ اردیبهشت ۱۲۸۹ برابر با ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۲۸	۲- چهارمین کابینه تنکابنی
		۳۱ اردیبهشت ۱۲۸۹ برابر با ۱۱ جمادی الاول ۱۳۲۸	۳- پنجمین کابینه تنکابنی
		۲ مرداد ۱۲۸۹ برابر با ۱۷ رجب ۱۳۲۸	۴- نخستین کابینه حسن مستوفی
		۶ آبان ۱۲۸۹ برابر با ۲۵ شوال ۱۳۲۸	۵- دومین کابینه حسن مستوفی

<p>اجرای لوایح قانونی - استقراض خارجی</p> <p>- تجدید نظر در قوانین مهم کشور، قانون اساسی، قانون انتخابات و قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی</p> <p>-</p> <p>جناحی بویژه در میان دو فرقه اعتدالی و دموکرات</p> <p>- کشمکش‌های ایلی در جنوب میان قشقایی‌ها و بختیاری- ها</p> <p>- فشار دولت انگلیس برای دخالت نظامی در کشور و ...</p> <p>- اولتیماتوم‌های دولت روس به بهانه شوستر و کشتار و آشوبگری قشون آن کشور در تبریز، رشت و مشهد.</p> <p>- بسته شدن مجلس شورای ملی پیش از انجام انتخابات دوره بعد</p>	۱۲ دی ۱۲۸۹ برابر با ۲ محرم ۱۳۲۹	۶- سومین کابینه حسن مستوفی
	۲۰ اسفند ۱۲۸۹ برابر با ۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۹	۷- ششمین کابینه تنکابنی
	۴ خرداد ۱۲۹۰ برابر با ۲۶ جمادی‌الاول ۱۳۲۹	۸- هفتمین کابینه تنکابنی
	۲۷ تیر ۱۲۹۰ برابر با ۲۲ رجب ۱۳۲۹	۹- هشتمین کابینه تنکابنی
	۳ مرداد ۱۲۹۰ برابر با ۲۹ رجب ۱۳۲۹	۱۰- نخستین کابینه نجف‌قلی‌خان بختیاری
	۹ مرداد ۱۲۹۰ برابر با ۶ شعبان ۱۳۲۹	۱۱- دومین کابینه نجف‌قلی‌خان بختیاری
	۶ آذر ۱۲۹۰ برابر با ۷ ذی- الحجه ۱۳۲۹	۱۲- سومین کابینه نجف‌قلی‌خان بختیاری

پس از بسته شدن مجلس دوم، اولتیماتوم دولت روس پذیرفته شد و مورگان شوستر نیز از کار برکنار گشت و با وجود فشارها و اولتیماتوم‌های روس و انگلیس، باز دولت ایران، آن دو دولت را میانجی قرارداد و به کمک آن‌ها معضل محمد علی میرزا را حل و فصل کرد. در دوره‌ی فترت میان دو مجلس دوم و سوم شورای ملی، روی هم رفته ۳ کابینه به زمامداری رسیدند که در این میان کابینه صمصام-السلطنه بختیاری با اتکا بر خصلت و رفتار اقدارگرایانه ایلی، شخص رئیس‌الوزراء در پی انجام برنامه‌ی قانونی پیشین خود بود. در زمان زمامداری مستوفی‌الممالک، سیاست بی‌طرفی دولت ایران از سوی متفقین نقض شد و کشور به وسیله سپاهیان و ماموران متحدین و متفقین مورد تعرض قرار گرفت و بدین سان بیشتر توان و امکانات آن در این راستا قرار گرفت.^۳

جدول شماره ۴: دوره فترت میان دو مجلس دوم و سوم قانون‌گذاری بمدت دو سال و یازده ماه و نه روز

شامل ۴ دولت: از تاریخ ۴ دی ۱۲۹۰ تا ۱۳ آذر ۱۲۹۳ برابر با ۴ محرم ۱۳۳۰ تا ۱۶ محرم ۱۳۳۳

مشکلات پیش روی دولت‌ها	مهمترین دغدغه و کوشش دولت‌ها در این دوره	زمان تشکیل دولت	اسامی نخست وزیران
<p>- مخالفت احزاب و جناح‌های سیاسی به ویژه حزب دموکرات</p> <p>- رفتن نایب السلطنه (ناصرالملک) به اروپا</p> <p>- نامزدی سعدالدوله برای ریاست دولت</p> <p>- فشار دولت روس برای کشیدن راه آهن جلفا به تبریز</p> <p>- فشار دولت انگلیس برای کشیدن راه آهن خرم آباد به محمره</p> <p>- کارشکنی برخی از خان‌های بختیاری</p>	<p>- صمصام السلطنه با تکیه بر خصلت اقتدارگرایانه ایلی در پی انجام برنامه قانونی پیشین خود بود</p> <p>- در زمان مستوفی الممالک سیاست بی طرفی دولت ایران از سوی بیگانگان نقض شد</p> <p>- واگذاری دو خط راه آهن به روس و انگلیس</p> <p>- انجام مراسم تاجگذاری سلطان احمد شاه</p> <p>- اتخاذ سیاست بی طرفی در جنگ جهانی اول</p> <p>- برطرف ساختن زمینه‌های شرارت مجاهدان افسار گسیخته، شیخ محمود ورامینی، نایب حسین کاشی، سالارالدوله و راندن شخص اخیر به اروپا</p>	۱۹ آذر ۱۲۹۰ برابر با ۲۰ ذی‌الحجه ۱۳۲۹	۱- چهارمین کابینه نجف قلی خان بختیاری
		۱۵ خرداد ۱۲۹۱ برابر با ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۳۳۰	۲- پنجمین کابینه نجف قلی خان بختیاری
		۲۸ دی ۱۲۹۱ برابر با ۱۰ صفر ۱۳۳۱	۳- نخستین کابینه محمد علی خان علاءالسلطنه
		۲۶ مرداد ۱۲۹۲ برابر با ۲۵ رمضان ۱۳۳۲	۴- چهارمین کابینه حسن مستوفی

در دوره‌ی مجلس سوم شورای ملی، ۴ کابینه روی کار آمدند که علاوه بر دنبال نمودن برنامه‌های دولت‌های پیشین با همان مبانی و زمینه‌ها، چند موضوع تازه را مورد توجه قرار داده بودند.

در این دوره به خاطر از سرگیری درگیری‌های حزبی و جناحی و نیز رقابت‌ها و جنگ‌های متفقین و متحدین در داخل کشور که به بسته شدن قرارداد ۱۹۱۵ برای تقسیم کامل ایران میان دو قدرت روس و انگلیس منجر گشت، ورود بخشی از نیروهای بومی و ژاندارم ناراضی و حتی برخی از کابینه‌ها در باندبازی‌های بین‌المللی، علاوه بر تنش‌های داخلی، برنامه‌ها و کوشش‌های بنیادین دولت‌های ایران بی‌اثر ماند.

جدول شماره ۵: دور سوم مجلس قانون‌گذاری به مدت ۱ سال و ۷ روز

شامل ۴ دولت: از تاریخ ۱۴ آذر ۱۲۹۳ تا ۲۱ آبان ۱۲۹۴: برابر با ۱۷ محرم ۱۳۳۳ تا ۶ محرم ۱۳۳۴

مشکلات پیش روی دولت‌ها	مهمترین دغدغه و کوشش دولت‌ها در این دوره	زمان تشکیل دولت	اسامی نخست وزیران
- از سرگیری کشمکش‌های حزبی و جناحی و نیز رقابت‌ها و جنگ‌های متفقین و متحدین در داخل کشور به بسته شدن قرارداد ۱۹۱۵ و تقسیم ایران میان دو قدرت روس و انگلیس منجر گشت. - ورود بخشی از نیروهای بومی و ژاندارم‌های ناراضی و حتی برخی از کابینه‌ها در دسته بندی‌های بین‌المللی علاوه بر دامن زدن به آشوب‌های داخلی برنامه‌های دولت‌های ایران را بی نتیجه گذاشت و در آخر با حرکت سپاهیان روس به سوی تهران و تهدید حکومت مرکزی و به دنبال آن مهاجرت گروهی از نمایندگان و نیروهای سیاسی به مرکز و	- تشکیل مجلس سنا* و شورای مملکتی - فسخ قانون ۲۳ جوزا ۱۳۲۹ مربوط به اختیارات خزانه داری کل - استقراض داخلی، اصلاح امور پست و تلگراف - حفظ سیاست بی	۱۱ اسفند ۱۲۹۳ برابر با ۵ ربیع‌الآخر ۱۳۳۳	۱- پنجمین کابینه حسن مستوفی
		۲۳ اسفند ۱۲۹۳ برابر با ۲۷ ربیع‌الآخر ۱۳۳۳	۲- نخستین کابینه حسن‌خان مشیرالدوله پیرنیا
		۱۰ اردیبهشت ۱۲۹۴ برابر با ۱۶	۳- نخستین کابینه عین‌الدوله

غرب کشور مجلس سوم از هم پاشید و مشروعیت دولت‌های بعدی تنها به فرمان احمد شاه قاجار منحصر گشت.	طرفی در جنگ - کمک از دولت‌های روس و انگلیس برای پرداخت بدهی‌ها تا خاتمه جنگ جهانی اول	جمادی‌الثانی ۱۳۳۳	
		۲۶ مرداد ۱۲۹۴ برابر با ۶ شوال ۱۳۳۳	۴- ششمین کابینه حسن مستوفی

در دوره‌ی فترت میان دو مجلس سوم و چهارم تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ش، نیز ۱۲ کابینه به زمامداری رسیدند که تا بیش از بروز انقلاب در روسیه، روی هم رفته برنامه‌های آنان تحت تاثیر پیش آمد جنگ جهانی و دخالت‌های نظامی و سیاسی متفقین و متحدین در داخل کشور بود.

با شکل‌گیری انقلاب در روسیه و پایه‌گذاری دولت کمونیست شوروی، نفوذ و اقتدار سابق روس‌ها در ایران فرو ریخت و از آن سوء دولت انگلستان، در نفوذ و سلطه‌گری‌اش بر ایران حرکت صعودی به خود گرفت.

بعد از پایان یافتن جنگ جهانی اول و پیروز شدن متفقین در جنگ و مهمتر از همه معروفیت دولت انگلیس به عنوان فاتح اصلی جنگ، دولت‌های ایران بیش از پیش برنامه‌ها و سیاست‌های خود را با این قدرت بزرگ هماهنگ ساختند و حتی عزل و نصب‌هایی که در این دوره انجام می‌گرفت در دایره‌ی نفوذ انحصاری این دولت قرار داشت و از اینجا بود که دولت انگلستان موفق شد قرارداد ۱۹۱۹ را بر ایران تحمیل کند.

البته سیاستی که بیشتر دولت‌های ایران در این زمان به خرج دادند مهار کردن تشنج، بازگرداندن آرامش و دنبال کردن اهداف مشروطه از طریق گفتگو با قدرت‌های جهانی آن روز یعنی روس و انگلیس بود. که چهره برجسته این سیاست میرزا حسن وثوق الدوله بود که آگاهی کاملی به ناتوانی ایران در عرصه بین‌المللی داشت و می‌خواست با سیاست گفتگو مانع از بهانه‌جویی روس و انگلیس در فرستادن نیرو برای اشغال ایران شود.^۴

جدول شماره ۶: دوره فترت میان دو مجلس سوم و چهارم قانون‌گذاری به مدت ۵ سال و ۶ ماه و ۲۵ روز

شامل ۱۶ دولت: از تاریخ ۲۲ آبان ۱۲۹۴ تا ۳ اسفند ۱۲۹۹

مشکلات پیش روی دولت‌ها	به طور کلی مهمترین دغدغه و کوشش دولت‌ها در این دوره	زمان تشکیل دولت	اسامی نخست وزیران
<ul style="list-style-type: none"> - تأسیس پلیس جنوب* - کشمکش‌های حزبی و جناحی - جنجال‌ها و رقابت‌های انتخاباتی - آدم‌کشی‌ها و فشارهای کمیته مجازات* - کمبود و گرانی نان و خواربار و تنگدستی شدید مردم - افسار گسیختگی و شرارت‌های سربازان روسی در پی بروز انقلاب در روسیه - آشوبگری‌های آشوری‌ها و ارمنی‌ها در ارومیه - شرارت‌های نایب حسین* و 	<ul style="list-style-type: none"> - برنامه دولت‌ها در این دوره تحت الشعاع پیشامد جنگ جهانی و دخالت‌های نظامی و سیاسی متفقین و متحدین در داخل کشور بود - پاکسازی دستگاه ژاندارمری از نیروهای مخالف ناراضی - حل معضل مهاجران سیاسی - انعقاد پیمان همکاری نظامی با دولت‌های روس و انگلیس و تشکیل کمیسیون مختلط نظارت بر امور مالی ایران با مشارکت آن دو دولت . - رسیدگی به وضعیت رفاهی معیشتی مردم، سرکوب راهزنان و 	۲ دی ۱۲۹۴ برابر با ۱۷ صفر ۱۳۳۴	۱- عبدالحسین میرزا فرمانفرما
		۱۴ اسفند ۱۲۹۴ برابر با ۳ ربیع-الآخر ۱۳۳۴	۲- نهمین کابینه تنکابنی
		۷ شهریور ۱۲۹۵ برابر با ۲۹ شوال ۱۳۳۴	۳- نخستین کابینه حسن وثوق
		۱۵ خرداد ۱۲۹۶ برابر با ۱۴ شعبان ۱۳۳۵	۴- دومین کابینه علاالسلطنه
		۱۸ آبان ۱۲۹۶ برابر با ۲۳ محرم ۱۳۳۶	۵- سومین کابینه علاالسلطنه
		۳۰ آبان ۱۲۹۶ برابر با ۶ صفر ۱۳۳۶	۶- دومین کابینه عین‌الدوله
		۲۶ دی ۱۲۹۶ برابر با ۳ ربیع-الثانی ۱۳۳۶	۷- هفتمین کابینه حسن مستوفی

<p>رضا جوزانی در کاشان و اصفهان، جنبش جنگلی‌ها و خیزش تنگستانی-ها</p> <p>- قیام شیخ محمد خیابانی*</p> <p>- فشار دولت نوپای شوروی برای استوار موقعیت سیاسی‌اش در ایران</p> <p>- اجرای قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق الدوله-کاکس و یاغی‌گری‌های اسماعیل آقا (سمیتقو).</p>	<p>آشوبگران کاشان و اصفهان و جنگ با اسماعیل آقا (سمیتقو)</p> <p>- سرکوبی جنبش‌های جنگلی‌ها و خیابانی‌ها و تنگستانی‌ها و شورشیان بلشویک*</p> <p>- تقویت نیروی قزاق و پاکسازی افسران روسی آن و جایگزینی آنها با افسران انگلیسی .</p> <p>- اعزام هیأت نمایندگی به کنفرانس صلح و رسای</p> <p>- برقراری روابط دوستانه با شوروی</p> <p>- تکمیل انتخابات مجلس چهارم و موقوف‌الاجرا گذاشتن قرارداد ۱۹۱۹</p>	<p>بهمن ماه ۱۲۹۶ برابر با ربیع-الثانی ۱۳۳۶</p>	<p>۸- هشتمین کابینه حسن مستوفی</p>
		<p>۱۰ اردیبهشت ۱۲۹۷ برابر با ۱۸ رجب ۱۳۳۶</p>	<p>۹- ششمین کابینه نجف‌قلی خان بختیاری</p>
		<p>۲۸ خرداد ۱۲۹۷ برابر با ۸ رمضان ۱۳۳۶</p>	<p>۱۰- هفتمین کابینه نجف‌قلی خان بختیاری</p>
		<p>۱۶ مرداد ۱۲۹۷ برابر با ۲۹ شوال ۱۳۳۶</p>	<p>۱۱- دومین کابینه حسن وثوق</p>
			<p>۱۲- سومین کابینه حسن وثوق</p>
			<p>۱۳- چهارمین و آخرین کابینه حسن وثوق</p>
		<p>۱۲ تیر ۱۲۹۹ برابر با ۱۶ شوال ۱۳۳۸</p>	<p>۱۴- دومین کابینه حسن مشیرالدوله</p>
		<p>۵ آبان ۱۲۹۹ برابر با ۱۴ صفر ۱۳۳۹</p>	<p>۱۵- نخستین کابینه فتح‌الله اکبر رشتی</p>
<p>۶ بهمن ۱۲۹۹ برابر با ۱۴ جمادی الاول ۱۳۳۹</p>	<p>۱۶- دومین کابینه فتح‌الله اکبر رشتی</p>		

بر این اساس برای اینکه این سیر صعودی برای ما مشخص‌تر شود ما این دوره ۱۵ ساله را به دو دوره هشت ساله اول یعنی از سال ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۲ و دوره هفت ساله دوم یعنی از سال ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۹ تقسیم کرده‌ایم.

در دوره هشت ساله اول ما ۳۰ کابینه را داریم با میانگین هر سه ماه یک کابینه و در دوره هفت ساله دوم ما بیست کابینه داریم با میانگین هر چهار ماه یک کابینه. که البته این آمار صرفاً مربوط به طول عمر دولت‌ها است و این طول عمر زیاد منحصرآ بیان‌کننده استواری و ثبات دولت‌ها نیست.

بیشترین تغییر و بی‌ثباتی را در دوره دوم مجلس مشاهده می‌کنیم (حد فاصل سال‌های ۱۲۸۸ تا ۱۲۹۰ هـ.ق) در عرض دو سال یازده دولت (هر دو ماه یک کابینه) که مهمترین علت آن فشار مضاعف قدرت‌های روس و انگلیس، دخالت‌های نظامی انگلیس و اولتیماتوم‌های دولت روسیه، بالا گرفتن درگیری‌های دو حزب اعتدالی و دموکرات که در این زمان به اوج خود رسید و دیگری مشخص نبودن حوزه اختیارات سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه بود امور را مختل کرده بود.

این‌ها مواردی بود که لازم بود پیش از شرح مفصل عوامل بحران، با آنها آشنا شویم؛ در ادامه عللی را که در دوره مورد بحث به طور کلی بحران‌ساز هستند را به تفصیل مورد بررسی قرار می‌دهیم، عللی که هر کدام متناسب با شرایط در زمان مناسب نقش آفرینی کرده و بر روند حوادث و وقایع تاثیرگذار بوده‌اند.

۲) بررسی علل بحران در کابینه‌ها (موانع تحقق شکل‌گیری حکومت پارلمانی و پایداری کابینه‌ها)

عوامل چندی مانع از شکل‌گیری و تکامل نظام پارلمانی و قدرتمندی دولت مشروطه در ایران می‌شد که بی‌شک بسیاری از آنها به فقدان زمینه و بسترهای لازم بر می‌گشت.

اختلاف میان نهادها و نخبگان سیاسی و در رأس آن ناسازگاری که میان قوه‌ی مقننه و مجریه وجود داشت به مهمترین عامل بی‌ثباتی سیاسی و بحران مشروطیت تبدیل شد. در ادامه مهم‌ترین موارد علل بحران در کابینه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) تجربه نخست حکومت مشروطه و مشکلات آن

در جامعه‌ای که احساس می‌کند پس از سال‌ها از یوغ استبداد رها شده است و برای اولین بار مشروط و محدود شدن قدرت مطلقه‌ی حاکمیت را تجربه می‌کند، بروز و ظهور نابهنجاری‌ها، هرج و مرج و خودسری‌ها در رفتار افراد و احزاب، تا حدودی طبیعی است جلوگیری از هرج و مرج، مهار نابهنجاری‌ها و خودسری‌ها و هدایت کردن امور در راستای اهداف اولیه نهضت، مهمترین وظیفه رهبران نهضت است. اما نهضت مشروطیت چون فاقد رهبری مقتدر و واحد بود و در واقع دچار تشتت رهبری بود، نه تنها قادر به حل مشکلات و ایجاد همگرایی برای رفع مشکلات پس از پیروزی نشد بلکه در عمل، تعدادی از مدعیان رهبری، خواسته یا ناخواسته، به عوامل واگرایی و بحران‌ساز تبدیل شدند.^۵ چنانچه قبول کنیم که استقرار هر نظام سیاسی جدید در جامعه، علاوه بر آنکه مشکلات ناشی از برخورد عقاید و تضاد منافع دسته‌های موافق و مخالف را به دنبال دارد غالباً نیاز به زمان لازم دارد تا بتواند اثر مطلوب خود را ببخشد. با این حال نمی‌توان ۱۲ دولت از مجموع ۵۸ دولتی که در عصر پرتلاطم اول مشروطیت قاجار عمری کمتر از یک ماه را داشته‌اند رقم اندکی به شمار آورد. حکومت دولتهایی با زمان کوتاه بین ۱ تا ۶ ماه با نسبت حدود ۶۴ درصد قابل تامل و درخور توجه است و این آمار خود به روشنی وضعیت نابسامان و عدم ثبات دولتهای عصر را به تصویر می‌کشد. شمار هیات وزیرانی که از ۶ تا ۱۲ ماه اداره امور مملکت را در دست داشته‌اند، با نسبت ۱۲/۱ درصد بسیار

اندک است. در میان ۵۸ هیات دولت تنها از ۲ دولت با عمری بالاتر از یک سال (۳/۴۴ درصد) می‌توان نام برد.^۶

در دوره سلطنت مشروط قاجاریان که از آن به عصر عدم ثبات سیاسی کشور باید یاد کرد، چیزی در حدود ۳۹ درصد نخست‌وزیران در گروه سنی پایین‌تر از ۴۵ سال قرار دارند و ۱۶/۷ درصد در گروه سنی بین ۴۵ تا ۵۵ سال، و ۲۷/۳ درصد با گروه نخست‌وزیرانی است که بین ۵۵ تا ۶۵ سال سن داشته‌اند و فقط ۱۱/۱ درصد با گروه کسانی بوده است که سنی بالاتر از ۶۵ سال داشته‌اند.

به این ترتیب غلبه در این دوره با جوانان (گروه سنی کمتر از ۴۵ سال به نسبت حدود ۳۹ درصد) و سال‌خوردگان و معماران (گروه سنی ۶۰ سال به بالا و به نسبت حدود ۳۳ درصد) بوده است.^۷

ب) اختلاف میان دولت، مجلس و دربار (ناسازگاری روزافزون قوه مجریه با مقننه)
تجربه تاریخ نشان می‌دهد که تقسیم قدرت سیاسی میان پارلمان و سلطنت نمی‌تواند چندان دوام بیاورد؛ ناگزیر می‌بایست یکی بر دیگری فایق آید، با وضع قانون اساسی و تاسیس مجلس ملی، دستگاه مشروطه به کار افتاد. هدف حرکت مشروطه پارلمانی کامل بود که آن همزمان با آغاز سلطنت محمدعلی شاه بود. وی بابرخی درباریان خواهان احیای آئین سلطنت مطلقه بودند اما عناصر معتدلی نیز حضور داشتند که خواستار همراهی شاه با مجلس و مشروطه بودند. از آن جمله علیرضا خان عضدالملک رییس خاندان قاجار بود که تا پایان مجلس او شاه را به همکاری با مجلس ترغیب می‌کرد.^۸

در ۲۸ دی ۱۲۸۵ محمدعلی شاه در مراسمی با حضور وزرا، علما، اعیان و سفرای کشورهای خارجی تاجگذاری کرد. در این مراسم اگر چه صنیع‌الدوله رئیس مجلس، سعدالدوله و آقامیرزا محسن از نمایندگان مجلس حضور داشتند اما چون از مجلس

شورای ملی و نمایندگان آن برای شرکت در مراسم دعوتی نشد. مجلسیان آن را نشانه‌ی بی‌اعتنایی شاه به مجلس و سوء نیت او به نهضت دانستند

از موارد دیگری که بر دامنه اختلافات افزودی مشیرالدوله صدراعظم، خود برای معرفی کابینه‌اش در مجلس حاضر نشده است و محترم‌السلطنه معاون خود را فرستاده. نمایندگان این را تحقیر مجلس دانستند و روشن است که بر گسترش فضای بدبینی میان دو طرف افزود.^۹

یکی از مشکلاتی که مشروطه خواهان با آن روبه‌رو بودند، رابطه‌ی مجلس با شاه و دولت یا با دول خارجی و مخالفین مشروطه بود که به دلیل عدم تجربه کافی برای حل این مشکلات، موجب بسته شدن مجلس و ایجاد دوره‌های فترت می‌گشت.^{۱۰}

افزون بر اینکه رفتار حکام ایالات و خان‌های محلی یکی از علل بدبینی میان مجلس و دربار بود از نظر برخی از مجلسیان عملکرد سیاسی حکام ایالات توطئه و تحریکاتی بود که از سوی شاه برای مبارزه با مشروطیت انجام می‌گرفت، حمله‌ی عثمانی به نواحی غرب کشور به ویژه آذربایجان غربی نیز از جمله موارد ایجاد بدبینی میان دربار و مجلس در این روزها و در چند ماه آینده بود. دولت در بحران مالی و بی‌پولی بود و این بحران بر همه‌ی امور سیاسی، اداری و نظامی کشور تاثیر بدی داشت. مدیریت سیاسی کشور، که درگیر مبارزه‌ی سیاسی میان دربار و مجلس بود و خودیک طرف مبارزه محسوب می‌شد، فرصت کافی برای رسیدگی به دیگر مسائل کشور را نداشت. تازه اگر درگیر چنان مبارزه‌ای هم نبود، ضعف مدیریت، بی‌برنامگی برای اداره کشور در وضعیت پس از پیروزی نهضت، ضعف مال و اقتصادی و گرفتاری در چنبره سلطه جویی‌های سیاسی و اقتصادی روس و انگلیس و دسیسه‌های آنان، هر نوع فعالیتی را، خواه برای سازندگی و توسعه و خواه برای دفاع از کشور در برابر تهاجم خارجی، با مشکل مواجه می‌ساخت.^{۱۱}

ج) ماهیت و ترکیب وزراء و نمایندگان

بدون شک موانع تکامل نظام پارلمانی در ایران منحصرأ به ضعف در روح و محتوای قانون اساسی بر نمی‌گشت بلکه از ضعف‌های ساختاری و نیز ترکیب نمایندگان ریشه می‌گرفت، صرف نظر از تعداد محدودی که به واقع نمایندگان راستین و واقعی ملت ایران به حساب می‌آمدند اکثریت وزرا و نمایندگان را مردانی سست عنصر، مطیع، محافظه‌کار و اغلب بی‌اطلاع از مسایل ایران و جهان تشکیل می‌دادند. بسیاری از آنها از ماهیت نظام مشروطه اطلاعی نداشتند.^{۱۲} ترکیب اجتماعی رهبران و کارگزاران مشروطه به ویژه نمایندگان مجلس به طور عمده ریشه در طبقات مرفه و معتبر اجتماعی داشت. لذا آنان از دغدغه‌های فکری و سیاسی مشابه برخوردار بودند. هم مناسبات اجتماعی - اقتصادی و هم پیوندهای سببی و نسبی بر وابستگی‌های متقابل آنان به یکدیگر می‌افزود.^{۱۳}

یحیی دولت‌آبادی نخبگان سیاسی را به دو گروه عمده تقسیم می‌کند: گروهی از آنها موسوم به «آقا و آقازاده» به عنوان سردمداران و رهبران مشروطه، گردانندگان احزاب سیاسی «وزیر تراش»، «کابینه آور و کابینه انداز» هستند. این جمع در هر امری دخالت کرده برای این و آن واسطه شغل می‌شوند و از این راه امرار معاش می‌کنند. طیف دوم را دولت‌آبادی اشخاص صالح، وطن دوست و ضد بیگانه می‌خواند که از سر صداقت و هم‌فکری برای کشور دلسوزی می‌کنند. از آنجا که فاقد زر و زور هستند و از عفت نفس برخوردارند، اغلب در سیاست باز می‌مانند.^{۱۴} بدین ترتیب مجلس واقعاً نمی‌توانست به عنوان مظهر دموکراسی پارلمانی یا خانه مردم جلوه‌گر کند و بر اساس قواعد و اصول ثابت و هماهنگ بتواند منافع همه طبقات را تحت پوشش قرار دهد.^{۱۵}

کسروی معتقد است که روند اتفاقات و تحولات مشروطه به سمتی پیش رفت که افرادی بی‌علاقه و بی‌مسئولیت نسبت به امور کشور و جملگی قدرت‌طلب و ناتوان در

اداره‌ی مملکت زمام امور را در دست گرفتند و در مسیر مشروطه نه تنها تصفیه یا منزوی نشدند بلکه بر تعداد آنها اضافه هم شد.^{۱۶}

قوانین مصوب مجلس به طور مداوم در برخورد با نهادها و دولتمردان مرتجع با مشکل مواجه می‌شد، درهم می‌شکست و مجلس در واکنشی متقابل با استیضاح‌ها و احظارهای پی در پی، قوه مجریه را با شکست روبرو می‌نمود. و در آخر اصلاحات اقتصادی که مجلس به دنبال اجرای آن بود به دلیل آنکه با منافع دولتیان و طبقات مسلط سازگار نبود، ناکام می‌ماند.^{۱۷}

شبکه‌ی وسیعی از مزدوران حقوق بگیر و هواداران حرفه‌ای پدید آمده بود. مهم‌تر از مزدوران و هواداران، خاندان‌های سرشناس بودند که وفاداری به انگلستان را از پدران و اجداد خود به میراث برده بودند.^{۱۸}

د) احزاب و فراکسیون‌ها (جناح‌بندی‌های سیاسی)

از جمله دستاوردهای انقلاب مشروطه در ایران رایج شدن و به بار نشستن تفکر ایجاد احزاب قانونی و آزاد بود. در ادامه چند مورد از این انجمن‌ها به صورت مختصر معرفی می‌شود.

- لژ فراماسونری (فراموش خانه): توسط میرزا ملکم خان ناشر روزنامه قانون، در نتیجه سفر رجال سیاسی ایران به غرب ایجاد شد.

- مجمع آدمیت: تداوم لژ تعطیل شده ملکم خان و دارای مرام نامه‌ای به نام «اصول آدمیت» بود.

- جامع آدمیت: لژ فراماسون سوم پس از مرگ شاه مستبد و نادان قاجار که انجمن‌های فوق را تعطیل کرده بود بوجود آمد و روزنامه قانون ملکم خان که از فرانسه به ایران

می‌آمد در تاسیس آن نقش اساسی داشت و حذف فیزیکی شاه نیز زمینه‌ی مساعدتری را برای ایجاد و فعالیت گروه‌ها فراهم کرد.

- انجمن مخفی: توسط سید محمد طباطبایی یکی از اعضای لژ فراماسونری تاسیس شد.

- انجمن ملی: عضو برجسته‌ی این انجمن ملک المتکلمین بود که تنها راه رهایی و

علاج جامعه را در برقراری اصلاحات و به دست گرفتن قدرت توسط مردم می‌دانست.

- حزب سوسیال دموکرات‌های ایران مهاجران ایرانی، به قفقاز آن را تشکیل دادند و

از سوسیال دموکرات‌های روسیه پیروی می‌کرد. این تشکل سیاسی مهم هرگز در اهدافش

موفق نبود زیرا راه را به اشتباه می‌پیمود و به عنوان نماینده‌ی تفکر چپ در ایران فاقد

آگاهی تاریخی نسبت به جامعه‌ی ایران بود. این حزب تنها ارگانی بود که تصمیم داشت

منافع و آمال مردم را مطابق مرام نامه‌اش تامین کند و اقتصاد ایران را به سمت ترقی ببرد،

اما از هرگونه اطلاعات نسبت به تاریخ و ساختار جامعه‌ی ایرانی خالی بود.^{۱۹}

فکر تشکیل انجمن که گاه آن را «اتحادیه یا فراکسیون و یا حزب» نامیده‌اند، از اصل

آزادی اجتماعات در دموکراسی پارلمانی سرچشمه می‌گیرد. تشکیل انجمن‌های سیاسی به

واسطه محیط آزادی بود که از قبل نهضت مشروطیت به وجود آمده بود.^{۲۰}

ترکیب انجمن‌ها به هیچ وجه یک دست نبود: برخی را اهالی ایالات و ولایات ساکن

پایتخت تشکیل دادند مانند انجمن‌های جنوب، اصفهان، کرمان، و آذربایجان (انجمن

آذربایجان گروه پارسیان مقیم تهران را نیز در بر می‌گرفت).

برخی انجمن‌ها نام محله‌های تهران و حتی کوی و برزنی را بر خود می‌گذاشتند که

بی‌مأخذ نبود مانند انجمن‌های دروازه قزوین، شاه آباد، کوچه غربیان و چاله میدان،

انجمن هواداران مجلس، انجمن اجتماعیون و انجمن فرهنگ از جمله انجمن‌هایی بودند

که دارای مرام‌نامه اجتماعی و سیاسی بودند.^{۲۱}

هدایت تحولات در دوره مشروطه عمدتاً از آن انجمن‌های سری بود. اینان به قواعد بازی سیاسی آنچنان پایبند نبودند و برای رسیدن به اهداف خود که فرو بردن ایران در نظام سرمایه‌داری جهانی بود از همه امکانات استفاده می‌کردند. نفوذ آنها به حدی بود که به قول شیخ عبدالله مازندرانی، اعلامیه‌هایی را از قول آن منتشر می‌کردند.^{۲۲}

احزاب و فراکسیون‌های سیاسی که در حقیقت از یک برداشت سطحی و شتابزده در دموکراسی‌های غربی و نیز فضای آلوده اوایل مشروطه به وجود آمده بودند، به سرنوشتی مشابه مشروطه دچار شدند. فعالیت‌های حزبی حرکتی مقطعی بود که از الگوی مدونی پیروی نمی‌کرد. چنانکه دوستان حزبی بلافاصله می‌توانستند به رقیبان تازه در دو آرایش سیاسی متضاد مقابل هم بایستند.^{۲۳}

احزاب از درون مجلس برخاستند لذا نگرش‌ها و فعالیت‌های آنان در ترکیب نمایندگان مجلس به صورت آشکار خودنمایی کرد. جناح‌های سیاسی و احزاب به رغم همه شعارهایی که در مرام نامه‌هایشان می‌دادند، در پی ارائه یک سیاست یا برنامه روشن برای پیشبرد و تثبیت نهضت و استقرار آن نبودند. بلکه بیشترین تلاش آنها متوجه تکذیب راه و روش جناح مقابل و پیشبرد اهداف و منافع صنفی در چهارچوب حزب، فراکسیون و تشکل سیاسی بود و در این راه از هرگونه بهره‌برداری از نام و شخصیت، رهبران مردمی و محبوب نهضت مشروطه ترس و ابایی نداشتند. با این همه تنها دو جریان سیاسی آغاز عهد مشروطه یعنی دموکرات‌ها و اعتدالیون را به لحاظ ماهیت فکری، هویت سیاسی، ساخت قانونی و تشکیلات می‌توان حزب نامید.^{۲۴}

در حقیقت بسیاری از بر پا دارندگان احزاب نه اساساً حزب نه کارکرد آن و نه مفاهیم مرامنامه و اساسنامه را می‌شناختند و نه به آن پایبندی نشان می‌دادند. بلکه هدف آنان منحصراً جلو بردن اهداف شخصی در قالب یک سازمان حزبی بود.^{۲۵}

بدین ترتیب مشخص است که با چنین سابقه و پیشینه‌ای نظام حزبی و پارلمانی نمی‌توانست در ایران استقرار یابد. این سخن را کسروی تاریخ نگار سالهای پس از مشروطه این طور بیان کرده است: «این است حال حزب و حزب سازان در ایران. در بیست و چند سال پیش یکی از رسوائی‌ها همین بود. ماجراجویانی چون دستشان به چیز دیگری نمی‌رسید چند تن گرد هم می‌آمده حزب می‌ساختند و کار به جایی رسید که همگی نفرت پیدا کردند و یکی از چیزهایی که زمینه برای دیکتاتوری شاه پیشین (رضاشاه) آماده گردانید این موضوع بود».^{۲۶}

طالبوف که خیلی زود به بنیادهای سست و لرزان این گونه احزاب و انجمن‌ها پی برده بود در نامه‌ای به دهخدا نوشت، که این تهران چگونه جانوری است که در اندک زمانی یک‌صد و اندی انجمن، حزب و جمعیت سیاسی به وجود آورده است، در حالی که در مهد مشروطه یعنی بریتانیا تعداد آن از انگشتان دست فراتر نمی‌رود. بدین ترتیب ناگفته پیداست که با چنین سابقه و پیشینه‌ای نظام حزبی و پارلمانی نمی‌توانست در ایران استقرار یابد به عبارت دیگر یکی از علل اصلی ادامه ساختار قدرت سیاسی شاهنشاهی در ایران معاصر، شکنندگی خود احزاب بوده است.^{۲۷}

ه) عدم آگاهی و جهل ملی (تعارض ساختاری میان نظام ایلی و نظام مشروطه)

جامعه ایلی ایران در کنار جامعه روستایی و شهری یکی از گسترده‌ترین ساختارهای اجتماعی ایران را تشکیل می‌دهد. یکی از مشهورترین سلسله‌های ایلی که بر ایران حکومت کرد، همان ایل قاجار بود که عصر حاکمیت آنها با اوج‌گیری پیشرفت‌های علمی - تکنیکی اروپا همزمان گردید. ماهیت ایلی نظام قاجاریه، به مانع عمده‌ای بر سر راه شکل‌گیری نهادهای نظام مشروطه، ثبات سیاسی، تمرکز دولت و رشد سرمایه‌داری در ایران تبدیل شد.^{۲۸}

به علاوه وجود ایلات متعدد و پراکنده بودن آنان در مناطق مختلف کشور که هر کدام داعیه حکومت و قدرت را داشت، امنیت کاروان‌های تجاری و راه‌ها را به خطر انداخته بود.^{۲۹} مارکس در یکی از آثارش ضمن اشاره به تضادهای شهر و روستا، مهمترین مولفه‌های اجتماعات شهری را این‌گونه بیان کرده: «تضاد میان شهر و روستا با گذار از توحش به تمدن، از سازمان قبیله‌ای به دولت، از حکومت منطقه‌ای به ملت ظاهر شده است و در سراسر طول تاریخ تا زمان ما، پایدار مانده است. وجود شهر ملازم وجود دستگاه اداری، پلیس، مالیات و نظایر آنها و در یک کلمه ملازم سازمان اجتماعی و لذا سیاست به طور کلی است... از این رو شهر محصول تمرکز جمعیت، ابزارهای تولید، سرمایه، لذت‌ها، و نیازها است».^{۳۰} حال آنکه جز مواردی چون بازار و بارو، شهرهای ایران درکل فاقد نهادهای مستقل مدنی و شاخصه‌های اجتماعات شهری بودند.^{۳۱}

از آنجا که نزدیک به نود درصد از نیروی کار کشور به کشاورزی اشتغال داشتند. توسعه شهرنشینی که خود از مولفه‌های عمده گذر به جامعه‌ای دموکراتیک است، در ایران پدید نیامد. ایلات که یک چهارم جمعیت کشور را شامل می‌شدند در راه استقرار نظام مشروطه و ثبات سیاسی به عنوان یک مانع عمده عمل می‌کردند.^{۳۲}

بنابراین مشکلات جامعه ایران را در حوزه سیاست نباید جستجو کرد، تغییرات در عرصه سیاسی راه به جایی نمی‌برد. ایرانیان به وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود آگاهی ندارند و در جهل زندگی می‌کنند و این وضعیت به کیفیت جمعیت مربوط می‌شود، بی‌سوادی که در میان بیشتر ایرانیان عمومیت دارد.

(و) نبود امنیت داخلی

از موارد دیگری که در کار کابینه‌ها اختلال ایجاد نمود می‌توان به ناامنی عمومی که در کشور وجود داشت اشاره کرد. دگرگونی سریع نظام سلطنتی مطلقه به مشروطه، بی‌شک

خود عامل بسیاری از نابسامانی‌ها و آشفتگی‌ها بود. ساختار سیاسی مشروطه با اهداف سودجویانه بسیاری از مالکان و زورمداران محلی و حاکمان کهنه‌کار که حکومت برخی از ایالت‌ها و ولایت‌ها را میراث خود می‌دانستند، هم‌خوانی نداشت. گاهی هم سالار الدوله برادر محمد علی شاه به داعیه سلطنت برمی‌خواست و زمانی چند، دولتی بیگانه چون عثمانی به مرزهای کشور دست اندازی می‌کرد. در واقع علت بسیاری از ناآرامی‌ها و کشمکش‌ها همین مسائل بودند.

امنیت عمومی طبیعتاً مورد توجه دستگاه حکومت و مجلس هر دو بود. تبدیل سریع نظام مطلقه به مشروطه، ناگزیر مقداری بی‌نظمی و اغتشاش را به همراه آورد اگر چه در گسترش آن معمولاً گزاف گفته‌اند. نظام سیاسی جدید مسلماً مورد قبول ملاکان عمده و قدرت‌مندان محلی و حکام قدیمی که حکومت برخی نواحی را میراث خود می‌دانستند نبود.^{۳۳}

اقدامات تهدیدآمیزی که از سوی دولت در مورد تجار و سرمایه‌داران داخلی صورت می‌گرفت مانند مصادره و غصب سرمایه، خودداری حکام و عمال بلند پایه دیوانی از پرداخت قرضه‌هایی که از تجار دریافت می‌کردند، خودداری از پرداخت بهای کالاهای خریداری شده از تجار، غارت کاروان‌ها و بازارها از سوی شاهزادگان و قشون دولتی، اخاذی از تجار به عناوین و بهانه‌های گوناگون و ... همگی از موارد ناامنی بودند.^{۳۴}

سایر طبقات نیز به دلیل اجحاف نظام مالیاتی، احساسی ناامنی می‌کردند و در کل وضعیت معیشتی مطلوبی نداشتند. مشخص نمودن مالیات‌های متعدد دهقانی و شهری، باج‌ها، عوارض عبور از راه‌ها و گمرکات، از شیوه‌ها و ابزارهای تامین مخارج دولت بودند.^{۳۵}

دولت در اجرای تکلیف خود در حفظ نظم و امنیت کشور، کمک و مساعدت مجلس را خواست و پیشنهاد کرد که کمیسیون دائمی امنیت ولایات که مرکب از چند وزیر یا

معاونان آنان و چند تن از نمایندگان مجلس می‌باشد برپا گردد. روشن است که کار کمیسیون مشترک مربوط به ناآرامی‌های ناشی از برخورد میان حکومت نواحی و انجمن‌های محلی بود. وگرنه درباره‌ی آشوب‌های دیگر آن طور که دولت اعلام کرد قوه‌ی مجریه تکلیف خود را می‌داند و به آن عمل می‌کند.^{۳۶}

از دیگر مواردی که دولت را با مشکل مواجه کرد یکی ماجرای قوام الملک شیرازی و دیگری داستان حاج آقا محسن عراقی بود. قوام الملک از حکام کهنه کاری بود که املاک فراوان داشت. قوام و فرزندانش در مخالفت با مشروطه شناخته شده بودند. اما داستان حاج آقا محسن عراقی، حتی از قضیه قوام الملک ریشه دارتر بود. در واقع او قلدر محلی و راهزنی بود که سه چهار هزار مرد مسلح به سر کردگی اشرار در خدمت داشت. واقعه‌ی دیگری که آشوب و بی‌نظمی را شدت بخشید اینکه به اغوای برخی اعضای انجمن ایالتی، جماعتی انبار اسلحه دولت را در تبریز به تصرف خویش در آوردند.^{۳۷}

به روایت‌های متواتر به اشاره‌ی شاه بود که رحیم خان به پسرش بیوک خان دستور گوشمالی عاملان انجمن ایالتی را داد. به گواهی وزیر دولت: «انواع تحریک از طرف موافق و مخالف در کار است و پسران سردار نصرت به تحریک مرکز آشوب راه انداخته‌اند. در واقع همه در صحنه ماجراجویی خودنمایی و مشارکت داشتند، در حادثه آفرینی بر دیگری سبقت می‌جستند».^{۳۸}

در نتیجه‌گیری نهایی نمی‌توان منکر این قضیه شد که مفهوم نظم و امنیت در اصول سیاسی جدید، خیلی ظریف‌تر و عمیق‌تر از دفع چند آشوب و اغتشاش زودگذر محلی است. تا زمانی که تمام موارد نامنی و بی‌قاعدگی از جمله روش ارباب و خشونت رفتار از میان برداشته نمی‌شد، نمی‌شود گفت که جامعه‌ی سیاسی از نظم و امنیت برخوردار

است. ایمنی دستگاه قضایی عنصر لاینفک مفهوم امنیت است، در حالی که خشونت تضاد ذاتی با امنیت و آزادی دارد.^{۳۹}

ز) بحران مالی و اقتصادی

شرایط مطلوب اقتصادی و ثروت مطلوب می‌تواند میزان وابستگی به عامل‌های خارجی را کاهش داده و حتی محو نماید. ماکس وبر نیز به اهمیت عوامل اقتصادی در پیدایش یک نظام جدید تاکید نموده و معتقد است وجود یک سیستم دائمی مالیاتی که به صورت متمرکز و مستقیماً تحت مراقبت قرار داشته باشد، یکی از پیش شرط‌های اساسی نوسازی در یک کشور است؛ عاملی که در ایران عصر قاجاریه به وجود نیامد و به معنای واقعی هیچ جایگاهی نداشت.^{۴۰}

مهمترین علل حرکت روند تحولات اقتصادی ایران در سده نوزدهم به سمت وابستگی و حاشیه‌ای شدن را می‌توان چنین برشمرد: مبادله مواد خام و اولیه ایران چون (تریاک، برنج، پنبه، توتون، تنباکو، ابریشم، پشم و...) با فرآورده‌های صنعتی اروپا، کنترل اروپائیان بر تجارت و تحمیل شرایط کامله‌الوداد.^{۴۱}

هزینه‌های سنگین جنگ‌های داخلی و نبرد با عوامل استبداد، تدارک سپاه، تأمین حقوق عقب افتاده کارکنان دولت و کمبود نقدینگی، دولت جوان مشروطه را با مشکلات بسیار مواجه ساخت. برای رفع مشکلات مالی دولت، مساله‌ی استقراض خارجی مطرح شد و جزو مهمترین بحث‌های مجلس قرار گرفت.^{۴۲}

در کنار شرایط اقتصادی، نقش تعیین‌کننده بازیگران سیاسی را هم نباید فراموش کرد. از این رو باید به کنش متقابل میان پیش شرط‌های اقتصادی و اجتماعی و تصمیم‌های بازیگران سیاسی توجه کرد. در شرایط بحران اقتصادی اتخاذ یک سیاست درست و تصمیم اقتصادی قابل تامل از سوی کارگزاران می‌تواند در کاستن از آسیب‌های بحران،

کارساز باشد. ژرژ سورن‌سن، بیان می‌کند که پیش شرط‌ها صحنه را آراسته و شکل صحنه-ای را که باید بازیگران سیاسی به آن ظاهر شوند، تعیین می‌کنند اما وجود پیش شرط‌ها به تنهایی تضمین‌کننده موفقیت بازیگران در برقراری مردم‌سالاری نیستند، بلکه پیش شرط-ها صرفاً اطلاعاتی را در خصوص نتیجه احتمالی کار بازیگران در اختیار ما قرار می‌دهند.^{۴۳}

برای رفع مشکلات مالی، دولت، استقراض خارجی را در دستور کار خود قرار داد و در این باره با روسیه و انگلستان به گفتگو پرداخت. دولت تصمیم گرفت که برای اجناس تجملی و نمک مالیات تعیین کند و همچنین به استقراض داخلی روی آورد. اما این راهکارها راه به جایی نبرد و بحران مالی همچنان بر دامنه مشکلات می‌افزود.^{۴۴}

بعد از این وقایع مورگان شوستر آمریکائی به امید سازماندهی امور مالی و رفع بحران اقتصادی استخدام شد. اماضعف مدیریت و نبود رهبری کارآمد در اداره‌ی امور سیاسی کشور از یک سو و دخالت دو قدرت روس و انگلیس در امور داخلی کشور از سوی دیگر، باعث شد که وجود خود شوستر و اقدامات او تبدیل به یک بحران اساسی شود. شوستر در این وضعیت آشفته سیاسی، در اختیار گروهی خاص قرار گرفت. اینان منافع گروهی خود را در اولویت قرار داده و شوستر را از کار در جهت منافع ملی باز داشتند سرانجام منجر به اولتیماتوم روس‌ها برای اخراج شوستر شد و همین‌طور هم شد.^{۴۵}

ک) دخالت‌های خارجی (نقش بیگانگان در ناپایداری کابینه‌ها و بی‌ثباتی سیاسی)

موضوع عمده دیگری که به پایداری یا ناپایداری کابینه‌ها برمی‌گردد مربوط می‌شود به نقش نیروهای خارجی و قدرت‌های استعماری، که در روی کار آمدن کابینه‌ها یا فراهم نمودن زمینه برای سقوط کابینه‌ها نقش اساسی ایفا می‌نمودند.

۱- نقش روسیه در بی‌ثباتی سیاسی - اقتصادی ایران

بدون شک قدرتی که بیش از هر عامل دیگر در ایران عصر قاجار نقش بازی می‌کرد، روسیه تزاری بود. این کشور که جز نواحی یخ‌بندان شمالی بخش اعظمش در حصار خشکی قرار داشت، می‌کوشید تا از راه دستیابی به آب‌های گرم خلیج فارس و تصرف قسطنطنیه خود را از این مشکل برهاند. وجود مرزهای گسترده ایران و روسیه، عدم رسیدگی به سرزمین‌های ماوراء قفقاز از دوران زندیه تا تأسیس دولت قاجاریه، گرایش حاکمان این نواحی به روس‌ها و برتری‌های مسلم اقتصادی - سیاسی آن کشور بر ایران، زمینه‌های برخورد نظامی دو دولت را فرام آورد. این آغاز سیاستی بود که در آن ایران می‌بایست به تدریج استقلال خویش را از دست داده به قلمرو روسیه منضم گردد.^{۴۶}

کسب امتیازات اقتصادی، حقوق ناچیز گمرکی، مجاورت با روسیه و ملاحظات سیاسی باعث شد در سال‌های پس از استقرار مشروطه تا آغاز جنگ جهانی اول تجارت ایران به نحو وحشتناکی در انحصار روسیه قرار گیرد.

بر این اساس روسیه با توجه به منافع گسترده اقتصادی - سیاسی خود در ایران خواهان حفظ وضع موجود بود و با هر حرکت یا جنبشی که تلاش می‌کرد این وضعیت مطلوب روسیه را تغییر دهد به شدت مخالفت می‌کرد.^{۴۷}

روسیه که بیش از هر کشور دیگری از مشروطیت ایران و پیامدهای آن آسیب می‌دید، از همان ابتدای کار در پی شکست انقلاب مشروطه برآمد. ابزار این سرکوبی کاملاً مهیا بود، محمد علی شاه با حمایت آشکار دولت روسیه تلاش خود را در سرکوب نهضت مشروطه گماشت که نقطه اوج آن به توپ بستن مجلس و کشتار آزادی خواهان بود.

روس‌ها همچنین از شورش محمد علی شاه و برادرش سالار الدوله کردند به علاوه برای اینکه مشروطه خواهان را با مشکل مواجه سازد به دولت ایران برای اخراج شوستر اولتیماتوم داد که پیامد آن تسلیم شدن دولت ایران، پذیرش تاسف بار اولتیماتوم، شرایط

سنگین روسیه و نیز کودتای صمصام السلطنه و تعطیل شدن مجلس بود به دنبال این اقدام برگی از تاریخ مشروطه پایان یافت و کشور برای یک دوره‌ی سه ساله اسیراستبداد ناصرالملک گردید.^{۴۸} این وقایع در حقیقت اوج تحقیر سیاسی ایران و از دست رفتن آخرین امیدهای مشروطه خواهان راستین برای اصلاح امور و پایداری کشور بود. این وقایع نشان می‌داد که روسیه قدرت آن را دارد تا هر امری که استقلال و تمامیت ایران را زیر سوال می‌برد بر زمامداران کشور تحمیل کند و در صورت لزوم خود وارد عمل شود.^{۴۹}

۲- انگلستان و تلاش برای مداخله در عرصه‌های مختلف

سابقه حضور انگلیس در عرصه سیاست و اقتصاد ایران، به دورانی باز می‌گردد که انگلستان موفق شد بر سرزمین هندوستان مسلط شود. به دلیل منافع هنگفت و ثروت سرشار هند محور همه سیاست‌های حکومت بریتانیا بر استراتژی کلان حفاظت از هند پایه‌ریزی شده بود. ایران نیز از همین نقطه نظر به عنوان یکی از شاهراه‌های بزرگ بین‌المللی در اتصال اروپا به هند یا به بیان دیگر به عنوان دروازه هندوستان نگریسته می‌شد.^{۵۰} از سیاست‌های امپریالیستی انگلستان در ایران می‌توان به تلاش برای تجزیه افغانستان از ایران، تغییرات مکرر در نواحی مرزی ایران در شرق، حمایت از خوانین محلی، تسلط بی قید و شرط و انحصاری بر خلیج فارس اشاره کرد. در زمینه اقتصادی این کشور با کسب امتیازات انحصاری از جمله کشتیرانی در کارون و خلیج فارس، تأسیس بانک شاهنشاهی، تلگراف، کاپیتولاسیون و از همه مهمتر کسب امتیاز نفت جنوب بر بخش‌های وسیعی از اقتصاد و سیاست ایران مسلط شد. با بیشتر شدن دامنه نفوذ روسیه، انگلستان تلاش نمود تا به بهانه آزادی‌خواهی به حمایت از انقلاب مشروطه برخیزد و از این طریق بتواند اولاً روسیه، این حریف نیرومند سیاسی، را از میدان خارج کند و در ثانی با افزایش

مراکز قدرت، طبقه اشراف هوادار انگلیس را بر صحنه سیاست کشور حاکم گرداند و به اصطلاح منارشی را به الیگارشی تغییر دهد.^{۵۱}

با استخراج نفت در جنوب ایران، دولت انگلیس برای حفاظت از چاه‌ها و تأسیسات نفتی، با زیر پا نهادن اصل حاکمیت ملی ایران، با خان‌های بختیاری معاهدات مختلف امضا کرد و به طرق گوناگون به رشد حکومت ملوک الطوائفی، واپس‌گرایی سیاسی و نافرمانی در قلمرو ایران دامن زد. بنابر همین مقدمات دولت بریتانیا به حمایت از نهضت مشروطه پرداخت تا از طریق تضعیف نمودن قدرت سلطنت وابسته به روسیه و توزیع قدرت در نهادهای دموکراتیک و نیز افزایش کانون‌های سیاست‌گذاری بتواند نقش موثر-تری ایفا کرده و هواداران خود را که غالباً از سردمداران مشروطه بودند در هیات حاکمه ایران جای دهد.^{۵۲} در پی این تلاش‌ها امکان اجرای متمم قانون اساسی و استقرار دموکراسی ملی در ایران ناممکن گردید و موقعیت حاکمان وابسته با ترکیب جدید مستحکم‌تر و پیوند آنها با امپریالیسم انگلیس نزدیکتر شد. چرا که گسترش نهضت مشروطه و نهادینه شدن آن در جامعه بیش از هر چیز خطری علیه منافع انگلیس در هند بود.^{۵۳} واگذاری امتیازات نفت جنوب در ۱۹۰۱ به یک تبعه‌ی انگلیسی موسوم به داری و کشف ذخایر هنگفت و سرشار نفت و به دنبال آن تلاش دولت انگلستان جهت شریک شدن در منافع حاصل از این شرکت برگ تازه‌ای از مداخلات دولت انگلیس در امور داخلی ایران بود.^{۵۴} میزان و مقدار منابعی که دولت انگلیس از ایران استخراج کرده همچنان مکتوم باقی مانده است، گفته می‌شود این مقادیر هنگفت به قیمت یک چهارم بازار از ایران خریداری می‌شده و همین مبالغ ناچیز هیچ‌گاه به درستی به خزانه دولت واریز نمی‌شده. این در حالی است که دولت مشروطه در بحرانی‌ترین وضعیت اقتصادی به سر می‌برد.^{۵۵} این نکته را ناگفته نباید گذاشت، که گاهی نیز منافع جهانی و مصلحت

سیاسی این دو قدرت امپریالیستی ایجاب می‌کرد که در ایران رقابت را کنار بگذارند، و برای مقابله با تعرض دیپلماسی امپریالیسم آلمان با یکدیگر آشتی کنند، در چنین شرایطی بود که طرح تقسیم ایران به دو منطقه‌ی نفوذ شمال و جنوب و یک منطقه بی‌طرف در سال ۱۹۰۷م به میان آمد، و قرارداد آن نیز به امضاء رسید. بدین ترتیب انگلیس عملاً تمام ایران را به همراه روسیه در اختیار گرفت و هر طوری که می‌خواست افراد تحت سلطه خویش را برای کابینه انتخاب می‌کرد تا با اقدامات‌شان در ایران مخالفتی نشود.

نتیجه‌گیری

جایگاه بلند دولت‌ها در طول ۱۴ سال یعنی از دوره‌ی مشروطه تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، باعث شد تا مدت‌ها به صحنه‌گردان اصلی رویدادها و جریان‌های جاری کشور و در عین حال به علت وظایف و اختیارات گسترده، از درون و بیرون تحت فشارهای مضاعف قرار گیرند و به کانون بحران تبدیل شوند. هر تنش سیاسی یا اقتصادی بر فعالیت‌های دولت اثر مستقیم داشت که بارزترین شاخص بحران، عدم تداوم حکومت و یا قوه مجریه بود که در نتیجه آن در طول ۱۴ سال ۵۱ کابینه و هر سه ماه، یک کابینه روی کار می‌آمد که این میانگین خود به خوبی نمایانگر بحران در کابینه‌ها می‌باشد.

شاید بتوان گفت یکی از مهمترین بحران‌های ایران در دوره مشروطه، بحران اقتصادی بود که تاثیر بسیار مخربی بر فضای سیاسی کشور برجای نهاد. عمده‌ترین مشکل دولت؛ کمبود نقدینگی، فقدان ذخایر ارزی، کسری مزمن بودجه، فقدان بانک ملی، غارت منابع و ذخایر کشور بویژه نفت توسط کشورهای استعمارگر و شرکت‌های فراملیتی، تسلط بیگانگان بر گمرکات و منابع پولی کشور و بدهی‌های کلان خارجی بود. این مشکلات اقتصادی درکل مانع از استقرار دولت‌ها و نظام مشروطه شدند و زمینه آسیب‌پذیری و شکنندگی آن را فراهم کردند. همچنین آنارشسیسم، واگرایی، خود محوری‌های شخصی و خانوادگی، گروه‌گرایی و حزب بازی، ترجیح منافع خصوصی بر منافع عمومی، دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم کشورهای انگلیس و روسیه و رقابت بین آن‌ها برای تسلط بر ایران بخشی از عواملی دیگر بودند که باعث بحران در کابینه‌ها و عدم پایداری و ثبات آن‌ها بود.

یادداشت‌ها:

- ۱- شجیعی، زهرا، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی: هیات وزیران ایران در عصر مشروطیت، جلد ۳، تهران، نشر سخن، ۱۳۷۲، صص ۲۱-۲۰.
- ۲- پورآرین، فواد، انقلاب فراموش شده: دولت‌های عصر مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹ ه.ش (برنامه‌ها و دشواری‌ها)، تهران، نشر چاپار، ۱۳۸۵، ص ۵۳۵.
- ۳- آبدیان، حسین، بحران مشروطیت در ایران، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۳، صص ۶۱۳-۶۱۲.
- ۴- تقوی‌مقدم، مصطفی، فراز و فرود مشروطه، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴، ص ۱۶۵.
- ۵- شجیعی، همان، جلد ۳، ص ۲۵.
- ۶- شجیعی، همان، جلد ۲، ص ۸۶.
- ۷- آدمیت، فریدون، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران (مجلس اول و بحران آزادی)، چاپ اول، تهران، جلد ۲، انتشارات روشنگران، ۱۳۶۹، صص ۳۰-۳۲.
- ۸- آدمیت، همان.
- ۹- اتحادیه، منصوره، مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۵، ص ۵.
- ۱۰- تقوی‌مقدم، همان، ص ۱۸۱.
- ۱۱- ترکمان، محمد، آراء اندیشه‌ها و فلسفه سیاسی مدرس، تهران، نشر هزاران، ۱۳۷۴، ص ۸۳.
- ۱۲- ملایی‌توانی، علی‌رضا، مشروطه و جمهوری: ریشه‌های نابسامانی نظم دموکراتیک در ایران، تهران، انتشارات گسترده، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۳۵.
- ۱۳- دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، ج ۴، تهران، انتشارات عطار و فردوس، چاپ ششم، ۱۳۷۱، صص ۱۸۰-۱۷۹.
- ۱۴- برار، ویکتور، انقلابات ایران، ترجمه سید ضیاءالدین دهشیری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۵، ص ۲۶۵.
- ۱۵- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، تهران، هرمس، ۱۳۸۴، ص ۱۶۸.
- ۱۶- ملایی‌توانی، همان، ص ۱۳۹.

- ۱۷- غنی، سیروس، ایران: برآمدن رضاخان بر افتادن قاجار و نقشی انگلیسی‌ها، ترجمه حسن کامشاد، تهران، نشر نیلوفر، ۱۳۷۸، صص ۳۹-۴۰
- ۱۸- سلیمی، علی‌اصغر، «احزاب سیاسی ایران در آستانه مشروطیت»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۲۷۷۲۳۰، تهران، موسسه اطلاعات، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱
- ۱۹- مامونوف، ن.پ، حکومت تزار و محمد علی شاه، ترجمه شرف‌الدین میرزا قهرمانی، تهران، اطلاعات، ص ۶۹
- ۲۰- آدمیت، همان، ۱۳۰۹، ص ۱۳۳
- ۲۱- آبادیان، همان، صص ۶۱۳-۶۱۲
- ۲۲- اتحادیه، منصوره، مرام‌نامه‌ها و نظام‌نامه‌های احزاب سیاسی ایران در دومین دوره مجلس شورای ملی، تهران، نشر تاریخ، ۱۳۶۱، ص ۱۰
- ۲۳- ملایی‌توانی، همان، صص ۱۴۵-۱۴۳
- ۲۴- کسروی، احمد، مشروطه بهترین شکل حکومت و آخرین نتیجه اندیشه نژاد آدمی است، گردآورنده علی پایدار، تهران، مجید، ۱۳۷۹، صص ۱۱-۱۰
- ۲۵- کسروی، ۱۳۸۴، ص ۶۸
- ۲۶- ترکمان، همان، صص ۷۳-۷۲
- ۲۷- نقیب‌زاده، احمد، دولت رضاشاه و نظام ایلی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۳۳
- ۲۸- اشرف، احمد، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه، تهران، انتشارات زمینه، ۱۳۵۹، ص ۴۱
- ۲۹- مارکس، کارل، گزیده‌ی نوشته‌های کارل مارکس در جامعه‌شناسی و فلسفه‌ی اجتماعی، ترجمه پرویز بابایی، تهران، نشر نگاه، ۱۳۸۹، ص ۸۴
- ۳۰- وبر، ماکس، شهر درگذر زمان، ترجمه و مقدمه شیوا (منصوره کاویانی)، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۹، ص ۸۷
- ۳۱- فوران، جان، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا، ۱۳۷۷، ص ۲۰۷
- ۳۲- آدمیت، همان، ص ۶۵

- ۳۳- اشرف، همان، ص ۳۹
- ۳۴- کاتوزیان، محمدعلی همایون، تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰، ص ۳۹۰
- ۳۵- آدمیت، همان، ص ۶۶
- ۳۶- ثقه الاسلام تبریزی، میرزاعلی، مجموعه آثار قلمی، به کوشش نصرت الله فتاحی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴، ص ۱۹۸
- ۳۷- مخبرالسلطنه هدایت، مهدی قلی، خاطرات و خطرات، تهران، نشر زوار، چاپ چهارم، ۱۳۷۵، ص ۱۵۱
- ۳۸- آدمیت، همان، ص ۷۶
- ۳۹- حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۱۳
- ۴۰- آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، انتشارات سهروردی، مروارید، ۱۳۶۴، ص ۱۶۷
- ۴۱- مروارید، یونس، از مشروطه تا جمهوری: نگاهی به ادوار مجالس قانون‌گذاری در دوران مشروطیت، جلد ۱، تهران، نشر اوحدی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۷
- ۴۲- سورنسن، جرج، دموکراسی و دموکراتیزه کردن (فراگشت و دورنمای آن در جهان)، ترجمه فرهاد طالع، لنگرود، ۱۳۸۱، ص ۳۷
- ۴۳- تقوی مقدم، همان، ص ۳۶۰
- ۴۴- شوستر، مورگان، اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، تهران، بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه، بی تا، صص ۲۸۳-۲۴۹
- ۴۵- شیخ‌الاسلامی، جواد، قتل اتابک و شانزده مقاله تحقیقی دیگر، تهران، کیهان، چاپ دوم، ۱۳۶۸، ص ۱۳۳
- ۴۶- ناظم، حسین، روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴-۱۹۰۰، ترجمه فرامرز محمدپور، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۳
- ۴۷- شیخ‌الاسلامی، همان، ص ۱۳۴
- ۴۸- کاظم‌زاده، فیروز، روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴-۱۸۶۴ پژوهشی درباره امپریالیسم، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۱، ص ۶۴۸

- ۴۹- سایکس، سرپرسی، سفرنامه ژنرال سایکس یا ده هزار مایل در ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران، ابن سینا، چاپ دوم، ۱۳۳۶، صص ۴۳۸-۴۳۹.
- ۵۰- قاسمی، ابوالفضل، سیر الیگارشوی در ایران از گوماتا تا کودتا، تهران، ققنوس، ۱۳۵۷، صص ۲۵۷-۲۵۵.
- ۵۱- قاسمی، همان، ص ۲۵۶
- ۵۲- رواسانی، شاپور، دولت و حکومت در ایران در دوره تسلط سرمایه داری در ایران، تهران، شمع، بی تا، صص ۸۹-۸۸
- ۵۳- عیسوی، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران: عصر قاجاریه ۱۳۳۲-۱۲۱۵ه.ق، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۲، صص ۵۰۱-۵۰۰
- ۵۴- فاتح، مصطفی، پنجاه سال نفت ایران، تهران، پیام، چاپ دوم، ۱۳۵۸، ص ۲۵۶
- ۵۵- ملکی، حسین، دولت‌های ایران در عصر مشروطیت ۱۳۵۷-۱۲۸۵، تهران، نشر اشاره، ۱۳۷۰، ص ۱۲